



شرکت مشاوران معماری و مهندسی
پارسا جامع عمرانی

پروندریک موضوع: معاونت استعماری

رفت و آمد در عمارت خیابان کمال الملک

دیور پرونده: بایک شهری آذر

پیکر حسین ترابی

گمشده در روزهای ملتهب

۱

- مدت فعالیت: هفت ماه (اردیبهشت ۱۳۵۸ تا آذر ۱۳۵۸)
- شاخص اصلی: قرار گرفتن در ستاد مدیر کل فرهنگ و تفریح (محمدعلی نجفی)
- اظهار نظر شاخص: ایجاد سینما از مطلق سینما این قدر زیاد است که برای جشن نه مقام معاونت و نه وزارت (فرهنگ و آموزش عالی) هیچ یک حاضر به تصدیق نیستند.
- شغل قبلی: فیکه نامتوس و فیلساز مستند.
- شاخص ترین اثر: آزادی (۱۳۵۸)
- شغل فعلی: فیلساف نامتوس و فیلساز مستند.
- فیلم‌های معروف دوران: فریاده (فرزاد چوهارش)، جو پارش (امیر فوندل)
- همکاران اصلی: محمدعلی نجفی



مهدی کلهر

سختگیری برای جلب اعتماد

۱

- مدت فعالیت: نزدیک به دو سال (شهریور ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰)
- شاخص اصلی: مذاکره با هادها، غیرمرتبط با مؤثر انقلابی برای جلب اعتماد آنها به سینما و تدوین مقررات جدید در حوزه سینما و نظارت و سختگیری بیشتر بر تولید و نمایش فیلم‌ها
- شعار اصلی: با کساز، فرهنگ و هنر
- اظهار نظر شاخص: چرا تنها وزارت خاتمی که از نظر تبلیغی و ارتدادی و فرهنگی باید با کساز می‌شد و نه ده فعالیت: خود را آغاز می‌کرد، وزیر نام وزارت علوم نجفی شد؟
- شغل قبلی: معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و آموزش عالی
- شغل فعلی: مشاور فرهنگی رئیس جمهور
- فیلم‌های معروف دوران: اعداس (محمدباقر خسروی)، بر خیزها (ایرج قادری)، آواز خنجرها (مهدی مسعود)، مساجزاده
- همکاران اصلی: مهدی مسعود، خجسته‌الامردستانی



از چهارم مهر ماه ۱۳۸۸ که جواد شمسقدری با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یازدهمین معاون سینمایی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی آغاز به کار کرده است، تاکنون همچنان در بحال فرهنگی و رسانه‌ای صحبت درباره این انتخاب و عملکرد و برنامه‌هایش مطرح است. تا پیش از معرفی شمسقدری به دلیل شرایط خاص کشور و اتفاقات بعد از انتخابات ریاست جمهوری کنجکاو‌های بسیاری درباره نام مدیر جدید سینمای ایران وجود داشت و همین موضوع باعث شده بود انتصاب معاون سینمایی وزیر ارشاد این بار خلاف نمونه‌های پیشین با خبر سازی فراوان و حاشیه‌های گوناگون همراه شود. روزهای قبل از معرفی شمسقدری زمانی که سید محمد حسینی به عنوان وزیر ارشاد دولت دهم نوانتصاب بود از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد بگیرد معمولاً نخستین سؤالی که از او پرسیده می‌شد نام همکاران آینده‌اش و در صدر آنها معاون سینمایی‌اش بود. همین سوئوخ نشان دهنده توجه رسانه‌ها و همچنین اهالی فرهنگ و هنر و علاقه‌مندان و سبک‌ران آن به این مسؤولیت بود. اما معاونت سینمایی که این میزان درباره انتصابش کنجکاو و توجه وجود دارد، کیست و جایگاه و حدود اختیار و میزان تاثیر گذاری‌اش در ساختار مدیریت فرهنگی کشور کجاست؟ چشم‌انداز مدیر بیت سینمایی کشور و برنامه‌هایش و مشکلات پیش رویش چگونه است؟ این پرونده بیکس پاسخ به این پرسش‌هاست.

شکل‌گیری معاونت سینمایی وزارت ارشاد

مسؤولیتی تحت عنوان معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعد از انقلاب به وجود آمده است. پیش از انقلاب - تا زمان شکل‌گیری وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۷ - موضوع مدیریت امور سینمایی بیشتر زیر فصل بحث نظارت و ممیزی ابتدا در بلدی و بعد شهرداری (تا حمله متفقین) و سرانجام در وزارت داخله (کشور) انجام می‌شد. بعد از ایجاد وزارت فرهنگ و هنر نهاد‌های مرتبط با حوزه سینما و نمایش فیلم به این وزارت تخته منتقل شده و در قالب چند اداره کل و در راس آنها «اداره کل امور سینمایی» صورت‌بندی شدند. یخسنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها از جانب مدیر این اداره ابلاغ می‌شد اما در کنارش چند اداره دیگر هم فعال بودند که البته همگی زیر نظر شخص وزیر قرار داشتند. این نهادها عبارت بودند از: اداره کل تولید فیلم و عکس و اسلاید، اداره کل نظارت و نمایش فیلم و اداره کل تحقیقات و روابط سینمایی. با وقوع انقلاب اسلامی در زمان دولت موقت ابتدا وزارت فرهنگ و هنر در وزارت علوم ادغام شد و نهاد‌های زیر محسوعاشش به این وزارت تخته منتقل شدند؛ ضمن آنکه تغییراتی در تعدادی از آنها هم صورت گرفت. پس از تغییر و تحولات متعددی که زاید به شرایط و اوضاع متغیر ماه‌های ابتدایی پیروزی انقلاب بود - در حالی که عملاً مدیریت امور سینمایی کشور توسط مدیر اداره کل نظارت و نمایش فیلم (که بعداً به اداره کل ترویج و نمایش تغییر نام داد) انجام می‌شد، حسین ترابی به عنوان اولین سرپرست مرکز امور سینمایی و سمعی و بصری کشور در تاریخ ۹ تیر ۱۳۵۸ از سوی معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و آموزش عالی معرفی شد. یک سال بعد با شکل‌گیری وزارت ارشاد اسلامی، این پست به معاونت امور سینمایی تغییر نام پیدا کرد.



دادستان

دوران مدیریت حسین ترابی به عنوان نخستین سرپرست مرکز سینمایی وزارت فرهنگ و آموزش عالی را باید نوعی دوران گذار و حالا دیگر فراموش شده دانست که اصولاً خود ترابی هم در زمینه مدیریت آن نقش چندانی نداشت و تقریباً تمام تصمیم‌گیری‌ها توسط محمدعلی نجفی - مدیر کل اداره ترویج و نمایش - انجام می‌شد. این دوران را باید روزهای مدیریت محمدعلی نجفی دانست که البته چون هیچ‌گاه به سمت مدیر مرکز سینمایی منصوب نشد، نامش به عنوان مدیر سینمایی کشور نمی‌آید اما تصمیم‌گیرنده اصلی او بوده است. انتصاب نجفی در جلسه شورای انقلاب در تاریخ ۳۰ فروردین ۵۸ که در حضور حضرت امام (ره) در قم تشکیل شده بود و با توصیه افرادی چون کمال خرازی، سیدمحمد بهشتی و فخرالدین انوار (که آن زمان در تلویزیون فعال بودند) انجام شد. نجفی این افراد را از قبل انقلاب در جلسه‌های سخنرانی دکتر شریعتی و بعد در زمان تولید فیلم جنگ اظهر می‌شناخت. انتصاب نجفی قبل از حسین ترابی انجام شد. ترابی از سوی پرویز ور جاوند قائم مقام وزیر در امور فرهنگ و هنر - منصوب شد. هرچند ور جاوند خیلی زود و یک ماه پس از صدور این حکم استعفا داد!

نجفی در دوران مسؤلیت‌ش که ترابی هم بیشتر دنباله‌روی او بود، تلاش کرد شاکله سینما را از گزند تعطیلی کامل نجات دهد. نگاهی که انقلابیون تندرو به سینما به دلیل عملکرد و سابقه پیش از انقلاب آن داشتند، باعث شده بود تا عده‌ای از لزوم تعطیلی کامل سینما صحبت کنند و حتی اقداماتی هم در این راستا انجام دهند. صحبت معروف امام (ره) درباره سینما و همچنین سختکوشی و استواری خود نجفی در دفاع از سینما، این اقدامات را ناگام

گذاشت. اوج ماجرا در فروردین ۵۹ بود که دادستانی انقلاب حکم به تعطیلی و معاذره تمام سینماهای کشور به نفع بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان داد که نجفی در اعتراض به آن استعفا داد و بعد با مذاکراتی توانست حکم را بازگرداند. اما توانست مانع ادامه اقداماتی این چنینی شود. عمده دوران مدیریت نجفی و ترابی به این گونه مسائل گذشت. در این میان نجفی تلاش کرد در زمینه صدور پروانه نمایش فیلم‌ها و ساز و کار آکران، و همچنین اطمینان بخشی به اهالی سینما برای تامین شغلی آینده ساماندهی‌هایی انجام دهد. آن روزها نمایش بی ضابطه فیلم‌های خارجی معضل مهمی بود که عمده وقت نجفی را می‌گرفت. ترابی خیلی زود و با مشاهده اوضاع و شرایط استعفا داد و عملاً از آذرماه ۱۳۵۸ سر کار خود حاضر نشد؛ در حالی که نجفی چندین ماه و بدون حضور یک مدیر سینمایی به فعالیت‌هایش ادامه داد.

اجرایش به مدیران بعدی سپرده می‌شود. کله‌پر به دنبال اتفاقات مربوط به آکران فیلم برزخی‌ها و جنگال‌های پیرامونش، و کناره‌گیری عبدالمجید معادخواه (وزیر وقت ارشاد) از جانب نخست وزیر وقت (میرحسین موسوی) در جلسات بذیرفته نمی‌شود و وزیر ارشاد جدید (سیدمحمد خاتمی) هم ترجیح می‌دهد فرد دیگری را به جای او منصوب کند.

با انتصاب محمدعلی رجایی به سمت نخست وزیر، کشور بعد از چند ماه صاحب دولت و کابینه نسجم می‌شود. در این کابینه، مهدی کله‌پر سمت معاونت سینمایی را به عهده می‌گیرد. کله‌پر نسبت به مدیر قبلی‌اش به سخنگیری بیشتر و همچنین لزوم انجام پاکسازی در فرهنگ و هنر اعتقاد دارد و در این راستا اقداماتی هم انجام می‌دهد. اما در مجموع دوران مدیریت او را باید به نوعی ادامه مواجهه مدیران سینمایی ابتدای انقلاب با چالش‌ها و مشکلات فضای متغیر کشور دانست. مهم‌ترین مشکلات کله‌پر همان مشکلات نجفی است؛ موازین شکل‌گیری سینمای بعد از انقلاب، آکران فیلم‌های خارجی و ایرانی و دخالت‌های غیر مرتبط در امور سینما. کله‌پر همراه مدیر جدیدش - مهدی مسعودشاهی - در این دوران می‌کوشد با حمایت‌های بیشتر از جانب مدیران ارشد کشور از جمله نخست وزیر، اقدامات فاطمی انجام دهد و اعتماد نهادهای بدبین به سینما را جلب کند. از جمله، نظم و قطعیت بخشیدن به تصمیمات کمیسیون نمایش یا انتصاب یک روحانی (حجت الاسلام اردستانی) به سرپرستی آن و نیز محدود کردن واردات فیلم. او همچنین مذاکراتی با بنیاد مستضعفان هم انجام می‌دهد تا با همراه کردن نظرات آنها در مدیریت سینمایی کشور از دخالت‌هایشان بکاهد. در دوران کله‌پر با شکل‌گیری رسمی وزارت ارشاد اسلامی، پست معاونت سینمایی وارد چارت سازمانی کشور می‌شود. در همین دوران است که رزمه‌های شکل‌گیری و هدایت سینمای اسلامی به گوش می‌رسد؛ هرچند با برکناری کله‌پر



انوار

سه‌شنبه کمال حاج سیدجوادی

معاون سینمایی موقت



- مدت فعالیت: نه ماه (تابان ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۲)
- شاخص اصلی: نگاه موقتی و تاباندار و ناآشنا به امور سینما
- شعار اصلی: نامشخص
- اظهار نظر شاخص: ندارد
- شغل قبلی: معاون هنری و وزارت ارشاد (با حفظ سمت)
- شغل فعلی: نامشخص
- فیلم‌های معروف دوران: حاجی واشنگتن (علی حاتمی)، خط قرمز (مسعود کیمیایی)، مرگ یزدگرد (پیرام بیضایی)، سفر (فریدون سراج)
- همکاران اصلی: مهدی مسعودشاهی و حجت‌الاسلام محمد گل محمدی

«آر» فخرالدین انوار

پایه‌گذاری «سینمای نوین»



- مدت فعالیت: ۱۱ سال (مرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۵۳)
- شاخص اصلی: شکل‌دهی به سینمای نوین معاصر انقلاب ایران
- شعار اصلی: بوجله سینمایی سینتی برهنابانت، حمای، و نظارت
- اظهار نظر شاخص: زمینه حرکت سینمای ایران از نظر ماستاتی است که باید در این سینما شکل بگیرد؛ به راس این مثلث «نظارت، هدایت و حمایت» است که چنانچه هر کدام از آنها را حذف کنیم، اداره سینما دچار لگت و وقفه خواهد شد.
- شغل قبلی: ناز مدیران گروه فیلم و سریال تلویزیون
- شغل فعلی: نازتسنه
- فیلم‌های معروف دوران: آخار نقش: ها (داربوش)، مهرجوی، هامون (داربوش)، مهرجوی، ناخدا حورشید (ناصر تقوایی)، خانه دوست کجاست (عماد گلرستمی)، نوبت عاشقی و شب‌های زاینده‌رود (محسن مخملباف) و...
- همکاران اصلی: سلسله‌مد، پنهانی، محمد مهدی خیدریان، علیرضا شجاع‌پوری، عبدالله اشغادگار

روایت‌ها و اختیارات معاونت سینمایی

حدود وظایف و اختیارات پست معاونت سینمایی از زمان شکل‌گیری تاکنون تغییرات متعددی کرده است.

انچه اکنون به عنوان وظایف معاونت امور سینمایی به عنوان یکی از شش معاونت زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب شده است، زمینه‌های گوناگونی را در برمی‌گیرد. این وظایف بنا بر آنچه در زیر فصل‌های مصوب وظایف معاونت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (تصویب‌نامه هیات وزیران) آمده، شامل ۲۱ سر فصل می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: «اداره امور سینمایی و سمعی و بصری کشور طبق قوانین و ضوابط و مقررات جاری»، «نظارت بر روند کمی و کیفی تولیدات سینمای ایران از طریق تهیه و اجرای ضوابط این‌نامه‌ها و مقررات لازم»، «حمایت از جریان سالم فیلمسازی در داخل کشور به طرق ممکن»، «تلاش برای گسترش و تقویت فعالیت‌های سینمایی در کل کشور به ویژه نقاط محروم»، «ایجاد و اداره شوراهای نظارت و ارزشیابی کیفی برای نظارت و هدایت سینماگران»، «تاسیس، حمایت، هدایت و نظارت بر مؤسسات وابسته‌ای که به صورت بازوهای اجرایی بخشی از وظایف حمایتی و هدایتی را به عهده می‌گیرند»، «مدیر اجازه ورود یا خروج آثار سینمایی و سمعی و بصری (نوار صدا، نوار ویدئو، عکس، دی‌ام و...) بر اساس مقررات محمود»، «آماده‌سازی شرایط و تحلیل کمیت و کیفیت فعالیت‌های سینمایی سمعی و بصری»، «ایجاد شرایط برای تجربه در حیطه تصویر کردن مفاهیم ارزشی اسلامی و انقلاب اسلامی»، «سرمایه‌گذاری، مشارکت در سرمایه‌گذاری و تشویق به سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه مراکز تولیدی، فنی، هنری و آموزشی سینما، عکاسی، صدا و دیگر تکنولوژی‌های سمعی و بصری بر اساس برنامه‌های مصوب و برنامه‌ریزی اجرایی و عملیاتی»، «حمایت از دست‌اندرکاران صنعت و هنر سینما از طریق طرح و پیشنهاد و اجرای قوانین و این‌نامه‌های حمایتی در زمینه‌های حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، رفاهی، حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای، تجربی و مشابه آن»، «سنجش افکار عمومی و نظرات و آرای مردم و مخاطبان سینما و دیگر رسانه‌های سمعی و بصری»، «تلاش برای دستیابی به بهترین شیوه‌های مردمی کردن سینما»، «طراحی، برنامه‌ریزی و تنظیم سیاست‌های کلی برای کشف و جذب استعدادها و به کارگیری آنان و همین‌طور تقویت ذوق و ابتکار علاقه‌مندان به هنر و وضعیت سینما در سراسر کشور»، «مراقبت و نظارت بر کل جریان کمی و کیفی حرکت سینمای کشور»، «طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی برای تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص هنری و فنی در سینما»، «تلاش و حمایت از فعالیت‌ها جهت معرفی و تبلیغ سینمای جمهوری اسلامی ایران به جهان» و «تحقیق و مطالعه درباره دستاوردهای هنری در جهان».

همان‌طور که مشاهده می‌شود مطابق قانون و اختیارات، معاون سینمایی در یک بیان فشرده مسئول مدیریت، جهت‌دهی و هدایت سینمای ایران محسوب می‌شود و وظایف و اختیاراتش زمینه‌های گوناگونی را در برمی‌گیرد.

مادیان

مکان



دوران مسؤولیت حاج سید جوادی را باید دوران گذار مدیریت سینمای بعد از انقلاب دانست که بیشتر به منظور فراهم کردن شرایط برای انتخاب تیم اصلی تصمیم گیرنده سینما باید طی می شد. حاج سید جوادی انتخاب موقت سید محمد خاتمی، وزیر ارشادی بود که بعد از یک دوره پرتنش مسؤولیت این وزارتخانه را بر عهده گرفته بود. خاتمی تا تصمیم گیری نهایی، حاج سید جوادی - معاون هنری اش - را با حفظ سمت به سمت معاونت سینمایی منصوب کرد و سید جوادی هم با آگاهی از سمت کوتاه مدتش، عملاً در زمان مسؤولیتش اقدامی انجام نداد. مهم ترین حادثه دوران مدیریت او برگزاری نخستین دوره «جشنواره فیلم فجر» بود که قوام یافته «هفته فیلم» سال قبلش محسوب می شد که در دهه فجر برگزار شده بود. عملکرد حاج سید جوادی که عملاً به رکود و رخوت کامل سینمای ایران منتهی شد، در روزهای پایانی مسؤولیتش با انتقاد صریح سینماگران هم مواجه شد. مهدی مسعودشاهی که از دوران مهدی کلهر همچنان مسؤولیت اداره ترویج و نمایش را عهده دار بود، بعدها از دوران حاج سید جوادی چنین یاد کرد: «در این دوره کلاً برنامه ها دچار توقف شد. تصمیم ها بسیار عجولانه و ناشیانه گرفته می شد و با همه مراجعان طوری رفتار می شد انگار که همه ضد انقلاب و خدانشناس هستند. تصمیماتی هم که گرفته می شد، لحظهای بود و کاربردی نداشت».

به کشور کرد. اقدامات انوار کم کم نتیجه داد؛ آن چنان که علاوه بر افزایش کمی فیلم های تولید شده ایرانی، از حیث کیفیت هم آثار قابل توجهی خلق شد. به نوعی سال ۱۳۶۵ شروع تبلور سیاست های جدید بود که در جشنواره آن سال حجم قابل توجهی از فیلم های قابل تامل ایرانی عرضه شد. حضور های جهانی سینمای ایران هم با پیگیری بنیاد سینمایی فارابی در دوران انوار آغاز شد و در سال های بعد به اوج خود رسید. این اقدام از همان آغاز با مخالفت هایی همراه بود. در همین دوره، نظام در جهتندی کیفی فیلم های ایرانی به منظور فراهم کردن شرایط بهتر اکران برای فیلم های برتر کیفی (از منظر مدیران) راه افتاد. در اواخر دوران کاری تیم انوار و بهشتی، طرح ایجاد جامعه اصناف سینمای ایران در قالب «خانه سینما» هم اجرایی شد، اما کم کم مخالفت ها با اقدامات این تیم که در پی تولید چند فیلم جنجالی مانند شب های راینده رود و نوبت عاشقی بروز یافته بود، اوج گرفت و سبب عقب نشینی آنها شد. سرانجام با استعفای خاتمی از وزارت ارشاد، پایان کار تیم انوار و بهشتی و حیدر بان فرار رسید. در سال های پایانی حضور انوار، بحران قطع کمک های دولتی در قالب سوسید هم کوبان سینمای ایران را گرفت که تا سال ها ادامه یافت. انوار و تیمش با فاصله ای تقریباً یکساله از استعفای خاتمی از وزارت ارشاد رفتند.

دوران مدیریت سید فخرالدین انوار بر مسند معاونت سینمایی وزارت ارشاد را باید دوران پیریزی و بنای ساختارها و مشخصه های سینمای بعد از انقلاب ایران دانست؛ دورانی که سرانجام سینما مطلبی آنچه مدنظر حاکمان و جامعه بود شکل گرفت و با تدویم سیاست ها، تبدیل به نماد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شد. فخرالدین انوار با سابقه نوبسندگی فیلمنامه فیلم جنگ اطهر همراه یار دیرینش - سید محمد بهشتی - از ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان نیروی فرهنگی مومن در بخش های گوناگون چون رادیو و تلویزیون فعال بود. انوار از زمان انتخاب به عنوان معاون سینمایی با همفکری بهشتی، ابتدا با برگزاری جلسات منظم با سینماگران و بررسی تجربیات گذشته مدیریت سینما، اقدام به انجام برنامه ریزی بلندمدتی کرد که مبنای آن نظارت و حمایت و هدایت جریان فیلمسازی از ابتدای مراحل آن تا انتهایش بود. بر این مبنای، تیم انوار - بهشتی - حیدریان که به نظر می رسید مغز متفکر آن بهشتی بود، ابتدا با تاسیس نهادی به نام «بنیاد سینمایی فارابی» در همان اولین سال آغاز به کار به عنوان بازوی اجرایی نهاد مدیریتی سینما کوشیدند تا تسهیل در امر تولید فیلم، جریان فیلمسازی را از رخوت در بیاورند؛ ضمن آنکه با توجه به سینماگران کوشیدند آنها را هر چه بیشتر با واقعیت ها و جریان فکری انقلاب اسلامی «شنا کنند» به این شکل از حجم فیلم های مشکل دار بکاهند. در ادامه این تیم با اقدامی ضربتی، در قالب برخورد و جمع آوری فیلم های خارجی و پلمپ دفاتر فعال در این زمینه، بازداشت چند نفر، موضوع ورود فیلم خارجی به کشور را فیصله داد و آن را در اختیار بنیاد سینمایی فارابی قرار داد. اقدامات این تیم البته با حمایت کامل مدیران ارشد کشور به ویژه شخصی نخست وزیر (میر حسین موسوی) و وزیر ارشاد (سید محمد خاتمی) همراه بود؛ آن چنان که دولت در حال جنگ، در شرایط سخت آن دوران اقدام به دادن سوسید برای ورود مواد خام فیلم برداری و عکاسی



پیشگام مهدی فریدزاده

زیرسایه مدیر نظارت

معاون سینمایی کیست؟

بر اساس آنچه از شرح وظایف معاون سینمایی وزارت ارشاد و همچنین بررسی عملکرد مدیران سینمایی وزارت ارشاد از پیروزی انقلاب تاکنون برمی آید، معاون سینمایی عملاً مسؤول اصلی سینمای ایران به شمار می رود. این شخص زیر نظر وزیر ارشاد جریان حرکتی سینما را ترسیم می کند. شکل دهی و هدایت سینما زیر نظر این فرد صورت می گیرد و او می تواند این مسیر را به سمتی که مدنظرش است، با اعمال سیاست های مختلف که در قانون برایش پیش بینی شده است، هدایت کند. پیش بینی نهاد های متعدد زیر مجموعه ای برای این فرد در راستای کم کردن اقدامات اجرایی او و تفویض آنها به معاونانش است؛ آن چنان که بنیاد فاریبی خود را انجام بسیاری از امور سینما در حوزه اجرا را بر عهده دارد. با این همه بسته به شیوه مدیریتی هر فرد و روحیه و اعتقاداتش، تاکنون متصدیان مختلف این پست، عملکرد های گوناگون داشته اند.

مدیریت سینما در کشورهای دیگر

مدیریت امور سینمایی در کشورهای مختلف جهان شکل های گوناگونی دارد. این موضوع در هر کشور بسته به نوع نگاه ساختار مدیریتی آن کشور نسبت به موضوع فرهنگ و هنر متغیر است. در کشورهای که وزارتتی به نام فرهنگ یا هنر وجود دارد، معمولاً دقتی هم زیر مجموعه آن در زمینه امور سینمایی تعریف شده است که بیشتر در زمینه نظارت بر نمایش فیلم در سینماها، برگزاری جشنواره ها و مجامع سینمایی و احیاناً حمایت از تولید یا نمایش چند فیلم معدود در سال فعالیت می کند. فرانسه بهترین مثال برای این نوع کشورهاست. این کشورها اصولاً به حوزه فرهنگ و هنر نگاه حمایتی دارند و معمولاً دولت را موظف به حمایت و کمک به این حوزه می دانند.

بعضی کشورها هم موضوع مدیریت سینمایی را با سختگیری بیشتری دنبال می کنند. در این کشورها دولت به حوزه فرهنگ و هنر نگاهی استراتژیک دارد و خود را موظف به دخالت در شؤون مختلفش می داند. در این کشورها مدیریت سینما به شکل دولتی انجام می شود. کشور چین را می توان مثال مناسبی برای این نوع کشورها دانست که ساخت و نمایش فیلم در آن نیازمند اخذ مجوز های مربوطه از دفاتر ذیربط است.

بعضی کشورها هم اصولاً حوزه فرهنگ و هنر را مدیریت بردار نمی دانند و از این رو وزارتتخانی ای هم به نام وزارت فرهنگ و هنر ندارند. در این کشورها مدیریت امور سینمایی بیشتر از سوی صنف های سینمایی انجام می شود. این مدیریت ها بیشتر در زمینه اکران فیلم ها و در قالب کمیسیون هایی برای درجه بندی سنی تماشاگران مناسب هر فیلم صورت می گیرند. اعضای این کمیسیون ها را بیشتر فعالان سینمایی صنوف مختلف آن کشور به اضافه نمایندگان از قشر های اجتماعی دیگر تشکیل می دهند. آمریکا بهترین مثال برای این دسته از کشورهاست.

نهاد های مهم زیر مجموعه معاونت سینمایی

معاونت سینمایی برای اجرای وظایفی که قانون بر عهده اش گذاشته، نهادها و زیر مجموعه هایی دارد. در حوزه ستادی، این دفاتر زیر مجموعه اش قرار دارند: «دفتر توسعه فناوری سینمایی و سمعی و بصری»، «دفتر مطالعات و برنامه ریزی فعالیت های سینمایی، سمعی و بصری»، «مدیریت مجامع و جشنواره های سینمایی، سمعی و بصری»، «دفتر امور همکاری های سمعی و بصری و نمایش خانگی» و «اداره کل ارزشیابی و نظارت سینمای حرفه ای». از میان این دفاتر، اداره کل نظارت ارزشیابی از اهمیت بیشتری برخوردار است. خارج از حوزه ستادی هم «بنیاد سینمایی فارابی» است که اهمیت بسیاری دارد.



- مدت فعالیت: حدود یک سال (خرداد ۱۳۷۲ تا مرداد ۱۳۷۲)
- شاخص اصلی: تعدیل اقدامات گروه قبلی مدیریت سینمایی
- شعار اصلی: حل بحران قطع موسسه دولتی
- اظهار نظر شاخص: باز این پس فیلم های جنگی برای بحوث فلسفانه نیازی به ارائه طرح اولیه ندارند و این دسته از فیلم ها در اولویت کار شورای بررسی فیلمنامه قرار می گیرند.
- شغل قبلی: مدیر شبکه اول سینمای جمهوری اسلامی
- شغل فعلی: نامشخص
- فیلم های معروف دوران: روسری آبی (رحمان بیخ اعتماد)، کلاه قرمزی و پسر خاله (ابرج طهماسب)، بوی (داریوش مهرجویی)، روز واقعه (شهرام آبدی)، کیسا (احمد رضا درویش)، سلام ستا (محمد مخملباف)
- همکاران اصلی: حمید خاکبازان و محمدحسین حقیقی

پیشگام عزت الله ضرغامی

مخالف سرسخت خانه سینما



- مدت فعالیت: دو سال (مرداد ۱۳۷۴ تا خرداد ۱۳۷۶)
- شاخص اصلی: توجه ویژه به سینمای دفاع مقدس و سختگری در حوزه مجری
- شعار اصلی: رشد سینمای دفاع مقدس و انقلاب
- اظهار نظر شاخص: سینماگران در سیاست دخالت نکنند
- شغل قبلی: کارکنان پروژه های صنایع موشکی، سیاه، معاون امور مجلس و استان های وزیر ارشاد
- شغل فعلی: رئیس سازمان صدا و سیما
- فیلم های معروف دوران: بیروح منو (ابراهیم حاتمی کیا)، لیلی (امین آستان کمال تبریزی)، ضیافت (مسعود کیمیایی)، بازمانده (سیف الله داد)، سفر به چراه (رسول ملاقلی پور)، پدر (محمد معتمدی)، بچه های آسمان (محمد مجیدی)، لیلی (داریوش مهرجویی)
- همکاران اصلی: حمید خاکبازان، محمد رحیبی، بیباک آهنگساز و علیرضا خدادادپور



مطالعات فرهنگی و علوم انسانی



سینمایی کشور اعتراض کردند. جریان توقیف فیلم‌هایی چون **آدم پر فی** و **دیدار هم از** زمان مدیریت خاکبازان آغاز شد و تا معاونت بعدی ادامه یافت.



مهدی فریدزاده با سابقه فعالیت طولانی مدت در تلویزیون در زمینه‌های مختلف مانند مدیریت گروه اجتماعی و گروه جنگ در ماه‌های پایانی حضور علی لاریجانی در وزارت ارشاد از سوی او به سمت معاونت سینمایی برگزیده شد. در این دوره بیش از هر چیز تلاش بر آن بود تا حساسیت‌های قبلی‌ای که از اواخر دهه ۶۰ به وجود آمده بود، تعدیل شود. فریدزاده که نگاه محدود کننده‌تری به سینما داشت، تمام تیم مدیریتی سینمای ایران را تغییر داد و در این راه با انتخاب حمید خاکبازان به سمت مدیر کل نظارت و ارزشیابی‌ای که فردی به شدت سختگیر بود، حاشیه‌های فراوانی به وجود آورد. خاکبازان که از سوی بعضی نهاد‌های مدیریتی هم حمایت می‌شد، در دوران حضورش در سمت مدیریت نظارت و ارزشیابی یکی از پرچالش‌ترین زمان‌های عملکرد این بخش مهم مدیریت سینما را رقم زد؛ به نحوی که همچنان خاطره حضور او برای بسیاری از سینماگران در دناک است. فریدزاده عملاً سیاست بلندمدت خاصی را در سینما بی‌نگرفت، جز آنکه با توجه به ادامه بحران قطع سوبسید، برای حل آن به مذاکره با بخش‌های مختلف دولتی مانند ارتش و وزارت نفت و صنایع پرداخت و آنها با هدف کمک به سینما، اقدام به تولید فیلم کردند و تهیه‌کننده شدند. نحوه مدیریت فریدزاده که به شدت تحت تأثیر عملکرد خاکبازان بود با اعتراض سینماگران مواجه شد؛ به شکلی که در اقدامی بی‌سابقه در آن مقطع، دو بار گروهی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان با انتشار بیانیه‌های سرگشاده به نحوه مدیریت

برای عدم دخالت در تبلیغات انتخاباتی همچنان در یادها باقی است. ضرغامی از فردای انتخابات دوم خرداد، دیگر بر سر کارش حاضر نشد؛ هر چند مراداداش با سینماگران تا امروز ادامه یافته است.

مصطفی میرسلیم وزیر ارشاد کابینه دوم اکبر هاشمی رفسنجانی پس از آنکه علی لاریجانی را رهبر جام‌جم دید، عزت‌الله ضرغامی را که از چهره‌های نظامی-فرهنگی آن روزها بود، بر مسند مدیریت سینمایی کشور نشانند. ضرغامی بیش از هر چیز به سینمای دفاع مقدس علاقه داشت و در این راه، بخش عمده‌ای از حمایت‌های دولتی را به سمت تولید این فیلم‌ها کشاند. در دوران ضرغامی، فعالیت‌های فرهنگی نهاد‌های مهم کشور هم افزایش یافت و سرمایه‌گذاری‌هایی هم در این زمینه صورت گرفت. از نکات قابل توجه دوران مدیریت ضرغامی، رابطه نرسه او با نهاد صنفی سینمای ایران یعنی «خانه سینما» - بود که تا عزم ضرغامی برای انحلال این نهاد هم پیش رفت. در دوره او همواره شایعاتی درباره وجود لیست سیاه سینماگران به گوش می‌رسید که واکنش به این نوع اقدامات در قالب نامه ۲۱۴ سینماگر به وزیر ارشاد که خواستار لغو یا کاهش چشمگیر مواظبت‌هاست و پاکیز و شیوه پیچیده نظارت بر فیلم‌سازی شده بود، بروز یافت. در دوره ضرغامی بود که تمام فیلمنامه‌های مصوب اداره کل نظارت و ارزشیابی هم ملزم به رعایت در جه‌بندی الف، ب، ج شدند. ضرغامی در دوران مدیریتش با حوزه هنری هم دچار مشکل شد. روزهای پایانی حضور ضرغامی در معاونت سینمایی از جمله بر حاشیه‌ترین و جنجالی‌ترین روزهای مدیریت سینما بود؛ واکنش سرد او به کسب جایزه نخل طلای عباس کیارستمی در جشنواره کن و اعراض سینماگران و برپایی جلسات توجیهی با آنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علمی فرهنگی



تمرین ناکام نوع دیگری از مدیریت

اداره کل ارزشیابی و نظارت سینمای حرفه‌ای

در میان مدیران مختلف حاضر در چهار چوب سازمانی معاونت سینمایی ارشاد، یکی از پر حاشیه‌ترین‌ها، مدیر کل ارزشیابی و نظارت بر سینمای حرفه‌ای است که معاون سینمایی بر اساس وظیفه «یجاد و اداره شوراهای نظارت و ارزشیابی کیفی برای نظارت و هدایت سینماگران و عکاسان کشور از طریق ارزشیابی سناریو، بازیگری، فیلم، ارزش گذاری سینماها و تنظیم سیاست نمایش سینمای کشور و دیگر فعالیت‌های نظیر، در چهار چوب قوانین و مقررات مصوب» او را انتخاب می‌کند. این معاونت از آن جهت که رابطه‌ای مستقیم با بحث ممیزی و اعمال نظارت بر تولیدات سینمایی دارد، بسیار مورد توجه است و در بسیاری موارد هم هدف انتقادات بی‌رحمانه بوده است. عموماً مدیر این اداره مهم‌ترین فرد مدیریت سینمایی کشور بعد از شخص معاونت سینمایی محسوب می‌شود. از ابتدای پیروزی انقلاب تا به حال افراد مختلفی این سمت را بر عهده داشته‌اند. محمدعلی نجفی، مهدی مسعودشاهی، محمد مهدی حیدریان، حمید خاکبازان، حبیب‌الله کاسه‌ساز، منوچهر محمدی، مجید باقر نژاد، جعفر صانعی مقدم و محمود اربابی از افرادی هستند که این سمت را از ابتدای انقلاب تاکنون بر عهده داشته‌اند. هم‌اکنون علیرضا سجادیور عهده‌دار این سمت است. حساسیت این پست و البته نبود شفافیت لازم در بعضی قوانین نظارتی، در تمام این سال‌ها باعث بروز مشکلات حاشیه‌ای و پیرامنه شده است؛ مشکلاتی که معمولاً دامن معاون سینمایی را هم گرفته است.

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

در کنار بنیاد سینمایی فارابی، از دیگر مراکز تاثیر گذار و فعال در زمینه حمایت از تولیدات سینمایی، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. این مرکز متولی چهار حوزه تخصصی «حمایت از فیلم‌های سینمایی اول»، «حمایت از تولیدات مستند»، «حمایت از تولیدات انیمیشن» و «حمایت از سینمای کوتاه حرفه‌ای» بوده و در این زمینه‌ها نقش بسیار تاثیر گذاری را در سال‌های اخیر داشته است. این مرکز از اواسط دهه ۷۰ در قامت یک تهیه کننده آثار بلند سینمایی ظاهر شده است که از آخرین تولیداتش می‌توان به **ننهار دو بار زندگی می‌کنیم و اخراجی‌ها** (در زمینه فیلم‌های اول) و **تهران انار ندارد** (در زمینه آثار مستند) اشاره کرد. این مرکز در سال‌های اخیر اقدام به برگزاری دو دوره جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» کرده که سینمای مستند ایران را صاحب یک جشنواره قابل تامل کرده است. محمد آفریده با همین کارنامه یکی از مدیران موفق سینمایی این سال‌هاست اما در دولت جدید شفیق اقامحمدیان جایگزین وی شده است.

انجمن سینمای جوانان ایران

زمانی که بحث حمایت و زمینه‌سازی برای ورود کار اولی‌ها به عرصه تولید در سینمای کشور مطرح می‌شود بالطبع اشاره به انجمن فعال «سینمای جوانان ایران» هم لازم است. این انجمن پرسابقه در سال ۱۳۵۲ به نام سینمای آزاد تأسیس شد و از سال ۱۳۵۴ شروع به عضوگیری و تشکیل کلاس‌های آموزشی کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۴، انجمن با حمایت معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پس از اندکی وقفه فعالیت مجدد خود را از سر گرفت و با هدف تشویق نوجوانان و جوانان ایرانی به هنر عکاسی و فیلم‌سازی و با گنایش تدریجی بیش از ۵۰ نمایندگی و دفتر در سراسر کشور، اقدام به جذب علاقه‌مندان به فراگیری رشته‌های کارگردانی، فیلمنامه‌نویسی، عکاسی، تصویربرداری، تدوین و برگزاری آزمون سراسری و دوره‌های یکساله فیلمسازی کرد. این دوره‌ها در سال‌های مختلف خروجی‌های قابل توجهی هم داشته و همین فعالیت مستمر، انجمن را به مرکزی تاثیر گذار بدل کرده است.

مجله سینما و فرهنگ

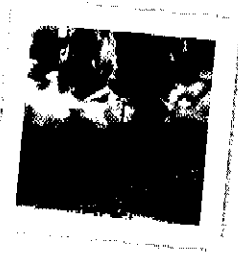
- مدت فعالیت: چهار سال (شهریور ۱۳۷۶ تا تیر ۱۳۸۰)
- شاخص اصلی: باز کردن فضای سینما و آگاهی‌بخشی خود سینماگران
- شعار اصلی: سینمای مصلحانه
- اظهار نظر شاخص: سینمای مصلحانه هدیه خداست
- نظارت‌کنندگان اصلی: سینماگران هستند.
- شغل قبلی: نویسنده و کارگردان مدیر عامل خانه سینما
- شغل فعلی: ناو در گذشته است.
- فیلم‌های معروف دوران: **زانیس** (تیشهای)، **خامنه‌ی کلاه**، **مرد عویسی** (هرمنده)، **فرز** (حیرانی)، **دو زن** (مالانی)، **دختری با کفش‌های کتانی** (صدر عاملی)، **رانک جدا** (محمدی)، **عروس این** (سیاس)، **اعتزالیس** (کیمیایی)، **از بر پوست نهر** (تی احمدی)، **سگ دشتی** (بیمایی)
- همکاران اصلی: منوچهر محمدی، مهدی مسعودشاهی، محمد باقر نژاد، محمد حسن نژاد، عبدالرحمن بدیع



محمد حسن پزشکی

گذار از سینمای مصلحانه به معناگرا

- مدت فعالیت: یک سال (پرداد ۱۳۸۰ تا بهمن ۱۳۸۱)
- شاخص اصلی: تلاش برای کم کردن حساسیت‌ها
- شعار اصلی: حفظ آیمان و حریت سینما
- اظهار نظر شاخص: بعضی مسؤولان از معنی فیلم‌ها احساس نگرانی می‌کنند
- نظارت‌کنندگان اصلی: سینماگران هستند.
- شغل قبلی: مدیر عامل پی‌یاد، سینمای فارابی
- شغل فعلی: مدیر عامل سوز سینما
- فیلم‌های معروف دوران: **خانه‌ای روی آب** (بهمن فرمان‌آرا)، **زندان زمان** (مشیر محمدی)، **ارفتار** (سید (ابراهیم - امین) کافز)، **بی خط** (ناصر نوری)، **س ترانه ۱۵ سال دارم** (درویش صدر عاملی)
- همکاران اصلی: محمد مهدی عسکری، جعفر ایمانی مقدم و محمد آفریده



سیف‌الله داد، مدیر سینمایی دولتی‌ای بود که شعارهای فرهنگی یکی از شاخصه‌های اصلی‌اش بود. داد در فضایی پر از انتظار و توقع، سکندار سینما شد. او در آغاز از چنین مواردی به عنوان سیاست‌هایش یاد کرد؛ «اساس در صنعت سینما بر جذب مخاطب است. نظارت تنها بر فیلم ساخته‌شده اعمال می‌شود. حمایت از سینما شامل همه بخش‌های آن می‌شود. سالن‌های سینما بهسازی و روزآمد و سالن‌های جدید تاسیس می‌شود. همه فیلم‌سازان مجازند فیلم مورد نظر خود را با توجه به آیین نامه مربوطه تهیه و در اختیار شورای بازبینی قرار دهند و در صورت اعتراض به رای این شورا، تصمیم درباره فیلم در هیات عالی نظارت اتخاذ می‌شود». شروع اقدامات عملی داد، رفع توقیف از چندین فیلم مهم پشت خط مانده بود. او در ادامه قید لزوم تصویب فیلمنامه را بر داشت و امور آکران فیلم‌ها را به خود سینماگران سپرد، اجازه ساخت آثار منتقد اجتماعی و نا محدودی سیاسی را داد و با راه‌اندازی جشنواره‌های موضوعی در شهرستان‌ها تلاش کرد سینما را به میان مردم شهرهای دور از مرکز ببرد. روحیه داد و تلاش او برای تمرین نوعی دیگر از مدیریت، با مشکلاتی مواجه شد؛ گرایش شدید سینماگران به ساخت فیلم‌های کم‌مایه جوانانه که ناشی از نوعی سوءاستفاده از شرایط باز بود و همچنین کم شدن تعداد فیلم‌های دفاع مقدس منجر به افزایش انتقادات جریان‌ات سیاسی مخالف دولت شد و از درون خانواده سینما هم بعضی از سینماگران با انتظاراتی متفاوت از شرایط موجود به سیف‌الله داد حمله کردند. مخالفت‌ها با اقدامات داد در استیضاح پرس و صدای وزیر ارشاد در مجلس آشکارا بروز یافت و همچنین صدا و سیما هم در اقدامی مشابه از بخش بسیاری از

فیلم‌های ایرانی خودداری کرد. افزایش فشارها باعث شد سیف‌الله داد یک سال بعد از استعفای عطاءالله مهاجرانی از وزارت ارشاد، ترجیح بدهد از ساختمان معاونت سینمایی برود؛ در حالی که عده‌ای از سرسخت‌ترین منتقدانش پس از مرگش تمجیدهای فراوانی از دستاوردهای دوران وی کردند.



محمد حسن پزشکی، زمانی سکون مدیریت سینما را در اختیار گرفت که آشکارا سینما وارد خط مقدم نبردهای سیاسی شده بود؛ آن‌چنان که نهادهایی اقدام به شکایت از دست‌اندرکاران تولید چند فیلم در محاکم قضایی کرده بودند و یک نفر (تهمینه میلانی) هم به خاطر ساخت یک فیلم با حکم بازداشت روبه‌رو شده بود. در چنین شرایطی پزشکی بیش از هر چیز برای کم کردن حساسیت‌ها و آرام کردن قضا، هدایت امور را در دست گرفت. او از سویی مجبور بود که نگاه‌های منفی بعضی نهاد‌های مهم به سینما را تعدیل کند و از سویی دیگر با فشار بدنه سینما و رسانه‌های پر قدرت آن دوران مواجه بود که خواستار عقب‌نشینی نکردن از سیاست‌های قبلی بودند. پزشکی در تمام مدت مدیریتش در این فضای دوگانه سیر کرد؛ هر چند تا حدودی توانست با کنار گذاشتن بعضی برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی، حساسیت‌ها را کم کند. اساس سیاست پزشکی بر متوجه کردن خود سینماگران به شرایط موجود بود که در قالب جلسات مداوم و حتی گفت‌وگوهای رسانه‌ای بروز می‌یافت. اوج این سیاست در صحبت معروفش در نامناسب خواندن فضای حاکم بر فیلم دایره (جعفر پناهی) و دفاع از عدم صدور مجوز نمایشش بود. تشدید بیماری پزشکی منجر شد او در آستانه جشنواره فیلم فجر جایش را به یک مدیر نظارتی بدهد.



بنیاد سینمایی فارابی

مهم‌ترین بازوی اجرایی معاونت سینمایی ارشاد، بنیاد سینمایی فارابی است. این بنیاد در سال ۱۳۴۲ تأسیس شد و بنابر آنچه در شرح وظایف آن آمده است «بر اساس سیاست‌ها و روش‌های اجرایی سینمای جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های حمایتی و مربوط به تولید و نمایش فیلم‌های سینمایی، با هدف حمایت از صنعت سینمای ایران و کمک به ارتقای کمی و کیفی و تقویت فعالیت‌های سینمایی» فعالیت می‌کند. مدیریت این بنیاد شاید در نگاه اول تأثیری در سیاست‌گذاری‌های کلان سینمایی نداشته باشد و صرفاً مدیری در طول معاون سینمایی انگاشته شود اما میزان تأثیر گذاری بر فعالیت‌های اجرایی مهمی چون مدیریت جریان تولید سینما، برگزاری جشنواره‌های اصلی سینمایی در کشور و همچنین کیفیت برنامه‌ریزی برای حمایت از آثار خاص، جایگاه اصلی این پست را در هم تصمیم‌سازان سینمای ایران نشان می‌دهد. سید محمد بهشتی (۷۳-۶۲)، محمد حسین حقیقی (۷۴-۷۳)، محمد رحیمی (۷۶-۷۴)، محمد حسن پزشک (۷۸-۷۶)، عبدالحمید محبی (۸۰-۷۸)، محمدمهدی عسگرپور (۸۱-۸۰)، علیرضا رضاداد (۸۶-۸۱) و مجید شاه حسینی (۸۸-۸۶) مدبرانی بوده‌اند که تاکنون بر مسند مدیرعاملی بنیاد سینمایی فارابی تکیه زده‌اند و هر یک بنابر دیدگاه خود نظرات معاونت سینمایی وقت را به عرصه اجرا رسانده‌اند. مدیرعامل فعلی احمد میرعلایی است.

اصلی‌ترین نقش این بنیاد سینمایی وجه «حمایتی» آن است که در هر دوره به وضوح مورد اختلاف پاره‌ای از سینماگران واقع می‌شده است. بازوی اجرایی بنیاد برای این حمایت «واحد پشتیبانی تولید» است. این واحد در زمینه سرویس دهی و ارائه خدمات به پروژه‌های سینمایی فعالیت می‌کند و در این زمینه سعی دارد تا «ضمن پیش‌بینی و برآورد نیازهای مواد خام و تجهیزات فنی، نسبت به تهیه و تامین آنها اقدام کند. به همین منظور تمهیدات ویژه‌ای را در خصوص تجهیز و تامین کمبودها و رفع آنها به کار بسته و در مواردی که بخش خصوصی تمایل به مشارکت ندارد، مستقیماً وارد عمل شده و با برنامه‌ریزی به پروژه‌های سینمایی و غیرسینمایی خدمات ارائه می‌دهد». ارائه خدمات، تهیه مواد خام و سرویس دهی هم «بر اساس سیاست‌گذاری معاونت سینمایی» به پروژه‌های دارای پروانه ساخت از اداره نظارت و ارزشیابی صورت می‌گیرد. البته در موارد خاص پروژه‌های غیرسینمایی هم خدمات در سه بخش تجهیزات فنی فیلم‌برداری، مواد خام و مصرفی و سرویس و تعمیرات ارائه می‌شود.

امور جشنواره یکی دیگر از دفا تر مهم بنیاد فارابی است که در کیفیت اجرای جشنواره‌های سینمایی نقش اصلی را بر عهده دارد. دفتر امور بین‌الملل هم از بخش‌های مهم بنیاد است که در مقام معرف سینمای نوین ایران در سراسر جهان «با اتکا به فعالیت‌های بی‌وقفه، پیگیر و مستمر به نمایندگی از کلیت سینمای کشورمان در مجامع جهانی به مرکزیت در امر اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی بین‌المللی برای فیلم‌های ایرانی مندل شده است». این دفتر علاوه بر امور اجرایی، مشاوره و پاسخگویی به سازمان‌ها و شرکت‌های خارجی را هم به عهده دارد. «از سوی دیگر، با توجه به حجم روزافزون فعالیت‌های بین‌المللی و در راستای حمایت از ساماندهی بخش خصوصی، راهکارهایی برای معرفی تهیه‌کنندگان به دیگر موسسات فعال در این حوزه و تسهیلاتی جهت حضور این موسسات در مجامع جهانی اندیشیده شده است. افزون بر این، مرکزیت این بنیاد در داخل کشور امور بین‌الملل را به مکانی مناسب برای ساماندهی اطلاعات حضور سینمای ایران در جشنواره‌ها و مجامع جهانی تبدیل کرده است. شایان ذکر است که امور بین‌الملل به عنوان تنها مرجع قانونی برای ورود فیلم‌های سینمایی خارجی جهت اکران عمومی هم فعالیت دارد» و بر اساس همین شرح وظایف است که می‌توان در مجموع، مدیرعامل بنیاد فارابی را دومین شخص تأثیرگذار بر سینمای ایران پس از معاون سینمایی دانست. احمد میرعلایی تهیه‌کننده طیف منسوب به هنرمندان ارزشی - هم‌اکنون مدیرعامل بنیاد فارابی است.

محمد مهدی حیدریان طرح سینمای معناگرا برای اعتمادسازی

مدت فعالیت: دو سال و نیم (بهمن ۱۳۸۱ تا مرداد ۱۳۸۲)
شاخص اصلی: تلاش برای دوری از حاشه‌ها با گرایش به تقویت زمینه‌های سخت‌افزاری سینما
شعار اصلی: سینمای معناگرا
انظار نظر شاخص: به‌کارگیری هنر و حضور آنا، بیشه با دقت بیشتر و توجه به معنا، یک وجه شاخص و مشخص در فیلم‌ها باشد.
شغل قبلی: مدیرعامل سیداقیلم
شغل فعلی: معاون هنری فرهنگستان هنر
فیلم‌های معروف دوران: مارمولک (کمال بیروزی)، دولت (احمد رضا درویش)، همان مامان (دارنوش - پیرجوی)، بوتیک (حسین نعمت‌الله)، شش‌پو (امیر فرهادی)، به‌زنگ از توان (ابراهیم حاتمی‌کیا)
همکاران اصلی: علیرضا رضاداد، جعفر سامعی مقدم، نریعلان شاداب

محمد رضا جعفری جلوه معاون سینمایی مبهم

مدت فعالیت: چهار سال (مرداد ۱۳۸۴ تا شهریور ۱۳۸۸)
شاخص اصلی: تلاش برای رسیدن به فیلم فاخر
شعار اصلی: سینمای ملی
انظار نظر شاخص: سینماگر معنای با مطالبات متضاد است
شغل قبلی: مدیر شبکه اول سیما، چهپری اسلامی
شغل فعلی: مشاور رئیس سازمان صدا و سیما
فیلم‌های معروف دوران: اخراجی‌ها (مسعود ده‌منگي)، خون آسین (تهمنه میلانی)، آواز گنجشک‌ها (مجید معینی)، دربار هالی (اسفند فرهادی)، خیلی دور خیلی نزدیک (رضا میرکریمی)
همکاران اصلی: مسعود اربابی، علیرضا رضاداد و مجید شاه حسینی



اگر محمدحسن یزشک تلاش می کرد ضمن راضی کردن نهادهای منتقد و مخالف، طرفداران دولت اصلاحات را هم همراه خود داشته باشد، محمد مهدی حیدریان ابایی از این نداشت که بگوید بعضی سیاست‌های قبلی غلط بوده و حتی بر سر حضور فیلم‌هایی چون **طلای سرخ** در جشنواره‌های جهانی مانع ایجاد کند و اجازه نمایش چندین فیلم را ندهد. حیدریان که خاطره همکاری‌اش با تیم انوار - بهشتی به عنوان مدیر اداره نظارت و ارزشیابی آن دوره در خاطره سینماگران باقی بود، با سابقه‌ای از حضور در تلویزیون به عنوان مدیر سیما فیلم به سینما آمد و آشکارا تلاش کرد با شعار سینمای معناگرا، اعتمادهای از دست رفته را به سینما جلب کند. او در دوران مدیریتش با آنچه «توفان دیجیتال» خوانده می‌شد، دست و پنجه نرم کرد. در قضیه فیلم **مارمولک** ترجیح داد عقب‌نشینی کند و در ماجرای بازداشت هیات مدیره خانه سینما به خاطر نحوه برگزاری جشن هفتم سینمای ایران با انجام رایزنی‌های پشت پرده به شرط بر سر کار آمدن یک هیات مدیره مطمئن، موضوع را فیصله داد. حیدریان بیشتر ترجیح داد در حوزه سخت‌افزاری سینما فعالیت کند و با بازسازی سینماهای قدیمی و اقداماتی در راستای ساخت چند سالن جدید، راه‌اندازی طرح سینما کارت و اقداماتی برای صنعت خواننده شدن سینما در جارت مدبریتی کشور، مدیریتش را اعمال کند. همه اینها در شرایطی بود که آشکارا می‌کوشید از حاشیه فاصله بگیرد.

شد. چند پروژه عظیم سینمایی قرار بود اصلی‌ترین برگ برنده در کارنامه چهار ساله محمدرضا جعفری جلوه با شعار «سینمای ملی و فاخر» باشد که مهم‌ترین آنها همچنان مراحل تولید خود را طی می‌کند.

گفته می‌شد در میان گزینه‌های مورد نظر دولتمردان جدید (بعد از انتخابات سال ۸۴) برای مدیریت سینمای کشور، محمدرضا جعفری جلوه جای نداشت و او با درخواست سینماگران بانفوذ و شاخص کشور از مقامات عالی‌رتبه نظام به این سمت انتخاب شد. همین موضوع نشان‌دهنده شرایط ویژه‌ای بود که جعفری جلوه و مدیریتش در آن قرار داشت. این موضوع در کنار نوع مدیریت خاص جلوه که بیش از همه مبتنی بر شکل‌نگرفتن کمترین انتقاد و حاشیه بود، در تمام چهار سال مدیریت جلوه عملاً تبدیل به نوعی بی‌عملی، بی‌خاصیتی و بلا تکلیفی شد. او با شعار «سینمای ملی» کارش را آغاز کرد اما تا پایداری آن دوره مدیریتش نتوانست تعریفی کامل از نوع سینمای مدنظرش ارائه کند. در دوران مدیریت جعفری جلوه، با وجود تمام تلاش‌ها، حاشیه‌های فراوانی پدید آمد که جریان‌های مرتبط با فیلم‌هایی چون **سننوری** و همچنین اعتراضات فراوان سینماگران در استانه جشنواره بیست و ششم فیلم فجر از مهم‌ترین آنها بودند. در دوره جلوه، بودجه سینمای ایران افزایش چشمگیری یافت اما همین موضوع... را آغاز مناقشات فراوان شد. مجید شاه‌حسینی، مدیرعامل دو سال آخر دوره جلوه، با سیاستی خاص این بودجه را اختصاص داد به تولید فیلم‌هایی که قرار بود «فاخر» باشند. عاقبت سیاست‌های جلوه و همکاری سرافش محمود آرابایی در پایان دوران مدیریتشان، نارضایتی سینماگران از تمام طیف‌ها بود؛ آن چنان که تغییرشان و روی کار آمدن چهره‌ای چون شهنق‌داری با کمترین اعتراض و حتی نوعی رضایت همراه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی



جواد شمعقدری کیست؟

متولد سال ۱۳۳۸ در مشهد؛ اندکی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه علم و صنعت پذیرفته می‌شود و از همان جا با محمود احمدی‌نژاد، دانشجوی تحکیم و جدتی فعال آن دوره آشنا می‌شود. در جریان انقلاب فرهنگی که پایه‌گذاری‌اش از همین دانشگاه بود، نقش آفرین بوده اما با آغاز جنگ ترجیح می‌دهد دانشگاه را نیمه‌کاره رها کند و در جبهه‌ها حاضر شود. از همان جا شروع به ساخت فیلم‌های مستند برای گروه شاهد تلویزیون می‌کند. فیلم‌هایی چون **صدای پای نور** (۱۳۶۱)، **نخل‌های سرخ** (۱۳۶۵) و **کربلای ۵** (۱۳۶۶). پس از پایان جنگ، جذب حوزه هنری می‌شود و فعالیت‌هایش را در آنجا ادامه می‌دهد. پس از تشکیل مرکز آموزش اسلامی فیلمسازی در دوره‌های این مرکز شرکت می‌کند و موفق به اخذ مدرک معادل کاردانی می‌شود. در همین دوره هم مستند بلند معروف **آفتاب و عشق** را می‌سازد که روایت تصویری روزهای درگذشت امام خمینی (ره) است. این مستند بارها از تلویزیون پخش و در سینماها هم اکران شده است. شمعقدری اولین فیلم بلندش را با نام **پر بال فرشتگان** در سال ۱۳۷۱ ساخت که روایتی از زندگی یکی از فرمانده‌های بسیجی جنگ بود و پرداختی به نسبت قابل قبول داشت. پس از تغییر و تحولات مدیریتی در امور سینمایی کشور در اوایل دهه ۷۰ با طیفی از سینماگران جریان موسوم به «ارزشی» پایه‌گذار تشکلی با نام هیات اسلامی هنرمندان همراه شد که به نوعی نخستین تشکل سینمایی بعد از انقلاب با جهت‌گیری سیاسی و اعتقادی محسوب می‌شد. بیشتر اعضای این تشکل را سینماگران مورد تأیید جریان رسمی کشور تشکیل می‌دادند. شمعقدری در سال ۷۵ پروژه **توفان شن** را درباره واقعه معروف طیس ساخت که به رغم کنجکاوی‌های اولیه، به سبب ضعف‌های فراوان توفیقی نیافت و این هم‌زمان شد با ایامی که دوران معروف به اصلاحات در ایران آغاز شده بود؛ در ایام انتخابات، هیات اسلامی هنرمندان محل ساماندهی فعالیت‌های سینماگران حامی علی‌اکبر ناطق‌نوری بود. بعد از انتخابات، طیف سینماگران حامی ناطق‌نوری تبدیل به منتقدان سیاست‌های سینمایی دوران اصلاحات شدند. شمعقدری در این دوره ضمن حفظ نقش محوری‌اش در میان این سینماگران، فعالیت‌هایش را به تلویزیون منتقل کرد و تهیه و کارگردانی چند سریال از جمله **فرستاده** را بر عهده داشت. او در این دوره به عنوان سینماگر منتقد مدیران فرهنگی کشور، عملکرد این مدیریت را موجب انحراف سینمای ایران و ظهور جریان ابتذال می‌دانست و در این راه، نهادی صنفی چون خانه سینما را هم زیر سؤال می‌برد. او این سیاست را در تمام هشت سال ریاست جمهوری خاتمی حفظ کرد و در آستانه انتخابات هشتم به اردوگاه محمود احمدی‌نژاد پیوست و فیلم تبلیغاتی‌اش را ساخت؛ فیلمی که شامل صحنه‌هایی مستند از زندگی شهردار آن زمان تهران و صحبت‌ها و نظرات منتقدانه او علیه ثروت‌اندوزی و مدیریت کشور بود. فیلم تأثیرش را بر طیفی که مورد نظر سازندگان بود گذاشت و محمود احمدی‌نژاد پیروز انتخابات شد. این چنین بود که دوران جدیدی در زندگی جواد شمعقدری آغاز شد.

جواد شمعقدری

چه خواهد کرد؟

بیست و هفتمین شماره فصلنامه سینمایی «تاریخ سینمای ایران»

■ **محتوای فصلنامه:** «مهر ۱۳۸۸ تا بهار ۱۳۸۹»
شاخص اصلی: جلب حمایت و اعتماد سینماگران (با کتون)
شعار اصلی: هنوز منحصربفرد نیست
انگیزه نظر شاخص: این درست نیست که یک فیلم به خاطر خطای یک بازیگر توقیف شود.
شغل قبلی: نویسنده و کارگردان، مشاور هنری رئیس جمهور
شغل فعلی: معاون سیاهام، وزارت ارشاد
فیلم‌های معروف دوران: هنوز مشخص نیست
همکاران اصلی: عباس شاه‌بچه، پوراحمد میرعلایی (تاکنون)

چشم‌انداز عملکرد شمعقدری

بنا بر آنچه شمعقدری در چهار سال گذشته در قالب بیان دیدگاه‌هایش عرضه کرده و با توجه به اقدامات دو ماه اخیرش، به نظر می‌رسد آنچه مطلوب نظر شمعقدری است، بیش از هر چیز کاهش نفوذ و سیطره حضور مدیریتی محوری سال‌های قبل است. او در این راستا احتمالاً تلاش خواهد کرد ضمن تغییر مسیر حرکتی بنیاد سینمایی فارابی در راستای جریان‌سازی تولید سینما از نقش محوری نهادها و طیف‌های گوناگون بکاهد. در صدر آنها خانه سینما قرار دارد و در ادامه‌اش طیف سینماگران پر نفوذ نسل انقلاب. چه آنکه شمعقدری در دوران ریاست جمهوری اول احمدی‌نژاد حتی وارد مناظره لفظی با مجید مجیدی هم شد. در این میان اما مشخص نیست که او چه میزان خواهد توانست با بدنه سینمایی کشور و همچنین جریان روشنفکری همراه شود. در نگاه اول بعید است شمعقدری بخواهد این گروه را از خود دور کند. دور نکردن آنها هم مستلزم ایجاد فضای رونق در تولید است که در شرایط فعلی مبهم به نظر می‌رسد. بدنه سینمای ایران ناشی از سیاست‌های خنثای دوره گذشته به سمت تولید فیلم‌های کم‌دی سطحی گرایش شدیدی پیدا کرده؛ شرایط فعلی از سوی هیچ مدیریتی قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. این نوع فیلم‌ها در سال‌های اخیر همواره مورد انتقاد شمعقدری بودند و حالا او بر مسند مدیریت باید به نوعی به تعیین تکلیف آنها بپردازد. او با باید این جریان را ادامه دهد با مقابله با سیاست که در این صورت باید اجازه حضور جریان دیگری چون سینمای اجتماعی را بدهد که احتمالاً واجد سوبه‌های انتقادی خواهد شد و این همان دامی است که جعفری جلوه کوشید از آن فرار کند. مقابله با جریان سینمای



در نگارش مطالب این
 پرونده از کتاب
«تاریخ سینمای ایران»
 نوشته جمال امید و
 دوره‌های مختلف «ماهنامه
 سینمایی فیلم» بهره
 فراوانی گرفته شده است.



از میان همراهان محمود احمدی نژاد که در روزهای منتهی به هشتمین انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۴ برای پیروزی این نامزد گمنام آن دوره تلاش می کردند، جواد شمقدری از بدشانس ترین ها بود. او که به اعتقاد بسیاری از ناظران، فیلم تبلیغی اش در توفیق احمدی نژاد در انتخابات تاثیر زیادی داشت، بعد از پیروزی نامزد مورد نظرش نتوانست سمتی بهتر از مشاور هنری به دست آورد؛ سینماگری که در یکی از پررونق ترین حضورهای رسانه‌ای سینماگران در قالب ساخت فیلم‌های تبلیغی نامزدها ترجیح داده بود در اردوگاه کم‌شانس ترین نامزد (به اعتقاد تمام ناظران) حاضر باشد، کمترین توقعش به دست‌گیری مسند مدیریت سینما بود اما با وزیر شدن چهره‌ای مقتدر چون محمدحسین صفارهرندی و به دنبالش انجام رایزنی‌هایی از سوی جمعی از سینماگران، ناگهان تمام پیش‌بینی‌هایش را بر باد رفته دید. آنچه جواد شمقدری در چهار سال گذشته در قامت مشاور هنری رئیس جمهور انجام داده و همین طور اظهاراتش در این مدت کوتاه، می‌تواند به راهگشایی از نظرات این چهره مدیریتی منتهی شود. شاه‌بیت صحبت‌های شمقدری و دوستان و همفکرانش مانند علیرضا سجادیور در این دوره، لزوم تغییر ساختار کلی جریان سینما و زدودن تاثیرات اقدامات گذشته بود. آنها معتقدند که از ابتدای شکل‌گیری دوران جدید سینمای ایران به مدیریت چهره‌هایی چون فخرالدین انوار و سیدمحمد بهشتی، روندی انحرافی پدید آمده و این افراد تلاش داشته‌اند که سینمای ایران را جدا از مبانی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی و پایه‌های اعتقادی‌اش پیش ببرند و به دلیل حمایت‌هایی از سوی مقامات عالی‌الجبای کشور نتوانسته‌اند بدون مقاومت، شالوده‌ای از نوع سینمای دلخواهشان شکل دهند که به سختی قابل تغییر است. بر این اساس آنها معتقدند مدیریت سینمایی چهار سال گذشته هم با وجود بعضی تغییرات و اقدامات بر مبنای همان قالب‌های گذشته عمل کرده و نتوانسته است تغییر چندانی به وجود آورد. این مبنای فکری شمقدری و دوستانش به نوعی منطبق بر همان اصول اعتقادی احمدی نژاد است که تمام دوران مدیریتی ۲۴ سال گذشته را زیر سؤال می‌برد و قصد پی‌ریزی دوران مدیریتی جدیدی در جمهوری اسلامی دارد. در قالب چنین دیدگاهی، شمقدری اعتقاد دارد که حضورهای جهانی سینمای

ایران در دهه ۶۰ با حمایت و پیگیری مدیران سینمایی آن سال‌ها آغاز شد، به سود نظام نبوده و در این راه جریانی انحرافی پدید آمده و عده‌ای مشغول سوءاستفاده هستند. در همین حال او شکل‌گیری نهادهایی چون خانه سینما را هم محصول عملکرد همان طریف مدیران اولیه می‌داند و اعتقاد دارد چنین نهادی در پوشش عملکرد صنعتی تبدیل به مرکزی برای ساماندهی تفکرات مخالف مدیریت سینمایی شده است. در زاویه‌ای دیگر، شمقدری تلاش داشته تا چهره‌های منتطف و مهربان از خود نسبت به سختگیری‌های ممیزی و نظارتی ترسیم کند و با این توضیح که بعد از صدور مجوز تولید اثر هنری دیگر نباید مقابلش ایستاد، در چهار سال قبل علیه تصمیماتی چون عدم آکران فیلم سنتوری موضع‌گیری کرد. گروه جدید به هدایت فیلساز قبل از ساخت فیلم معتقد است و اعتقاد دارد کار اصلی در زمینه نظارت مدیریتی بر تولید فیلم، در مرحله پیش تولید صورت می‌گیرد و مدیریت باید بتواند با شناخت صحیح از جریان‌ها و چهره‌های سینمایی نسبت به حاصل احتمالی پدیدآمده از یک فیلمنامه و گروه سازنده از همان ابتدا اشراف داشته باشد. در زمینه حضورهای جهانی هم این طریف بیشتر به دنبال گرفتن سهمی از آکران جهانی به ویژه در مناطقی چون آسیا و آفریقا برای فیلم‌های ایرانی است تا حضور صرف در جشنواره‌های معتبر جهانی.

شرایط کنونی سینمای ایران

جشنواره‌های گوناگون و معتبر که از همان دوران ۶۰ با حمایت و پیگیری مدیران سینمایی آن سال‌ها آغاز شد، به سود نظام نبوده و در این راه جریانی انحرافی پدید آمده و عده‌ای مشغول سوءاستفاده هستند. در همین حال او شکل‌گیری نهادهایی چون خانه سینما را هم محصول عملکرد همان طریف مدیران اولیه می‌داند و اعتقاد دارد چنین نهادی در پوشش عملکرد صنعتی تبدیل به مرکزی برای ساماندهی تفکرات مخالف مدیریت سینمایی شده است. در زاویه‌ای دیگر، شمقدری تلاش داشته تا چهره‌های منتطف و مهربان از خود نسبت به سختگیری‌های ممیزی و نظارتی ترسیم کند و با این توضیح که بعد از صدور مجوز تولید اثر هنری دیگر نباید مقابلش ایستاد، در چهار سال قبل علیه تصمیماتی چون عدم آکران فیلم سنتوری موضع‌گیری کرد. گروه جدید به هدایت فیلساز قبل از ساخت فیلم معتقد است و اعتقاد دارد کار اصلی در زمینه نظارت مدیریتی بر تولید فیلم، در مرحله پیش تولید صورت می‌گیرد و مدیریت باید بتواند با شناخت صحیح از جریان‌ها و چهره‌های سینمایی نسبت به حاصل احتمالی پدیدآمده از یک فیلمنامه و گروه سازنده از همان ابتدا اشراف داشته باشد. در زمینه حضورهای جهانی هم این طریف بیشتر به دنبال گرفتن سهمی از آکران جهانی به ویژه در مناطقی چون آسیا و آفریقا برای فیلم‌های ایرانی است تا حضور صرف در جشنواره‌های معتبر جهانی.

جشنواره‌های هم‌چندان آسان نیست؛ چرا که مختصات این سینما خارج از حوزه‌های مدیریتی شکل گرفته و ورود به تغییر ساختار آن مستلزم صرف هزینه‌های سنگین مقابله‌ای است که باید دید شمقدری در آغاز مدیریتش زیر بار پرداختش می‌رود یا نه. آسان‌ترین بخش، مواجهه شمقدری با بخش روشنفکری خواهد بود که در چهار سال قبل نشان داده با این گروه همراهی بیشتری دارد و هیچ بعید نیست در ماه‌های اول فعالیتش اقدام به حل مشکل فیلم‌های بیرون مانده چند سال قبل و صدور اجازه آکران آنها کند.

آن چنان که با رفع توقیف از به رنگ ارغوان و زمزمه حل مشکل چند فیلم دیگر، صحت این نوع موضع‌گیری تأیید شد. شمقدری البته در ادامه رویکردی که منتقدان اصولگرایی احمدی نژاد (مثل علی مطهری) از آن به نام روحیه لیبرال رئیس‌جمهور (مشتل علی مطهری) و فرهنگ یاد می‌کنند و تحت تاثیر او، چند ماه قبل از انتخابات، موضع‌گیری‌های قابل توجهی در راستای آزاداندیشی و شنیدن صدای مخالف در فرهنگ کرده که صحتش را باید در عمل و سیاست‌های ماه‌های آینده او دید.

شرایط امروز سینمای ایران منبسط از عملکرد مدیران قبلی این سینما، شکل پیچیده و متناقضی به خود گرفته است. آنچه در این سال‌ها میان فعالان سینمایی، مدیران و در مرحله پایین‌تر مصرف‌کنندگان گذشته، در یک دید کلان زیر فصل مباحث اقتصادی، دقیق‌تر صورت‌بندی می‌شود. با افزایش بودجه سینما، منازعاتی بر سر در اختیار گرفتن منابع دولتی به وجود آمده است. از سال ۸۶ که مدیران فرهنگی دولت نهم زیر فشار حامیان، سرانجام مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی باقی‌مانده از دولت قبل را تغییر دادند، سیاست راهبردی کمک خاص به تولیدات هدایت شده سینمایی در دستور کار قرار گرفت. هر چند از همان سال ۶۲ که سینمای نوین ایران شکل گرفت، سیاست معروف «هدایت حمایت-نظارت» در شکل کمک‌های دولتی بلاعوض به تولید فیلم‌های سینمایی وجود داشت و در تمام سال‌های قبل با تغییرات جزئی در دولت‌های مختلف اجرا می‌شد اما مدیران سینمایی دولت نهم شکل دیگری از اجرای این سیاست را مدنظر داشتند. آنها ضمن افزایش قابل توجه بودجه سینما ترجیح دادند این بودجه افزایش یافته به سبک گذشته، امکان تعلق به اکثریت تولیدات سینمای ایران را نیابد بلکه به شکل مدیریت شده صرف تولید آثاری شوند که «فاخر» نامیده می‌شدند و در پیشبرد حرکت کلی سینمای ایران به سمت سینمای «ملی» مؤثر بودند. این چنین بود که مدیرعامل وقت بنیاد سینمایی فارابی با بستن درها به روی سینماگران و تصمیم‌گیری پشت درهای بسته، عملاً در قامت یک تهیه‌کننده صرف، تولیدگر فیلم‌های مطلوب خود شد؛ فیلم‌هایی که در شرایط فعلی سینمای ایران امکان تولید در بخش خصوصی را نمی‌یافتند. به این ترتیب، حمایت دولت از سینما با وجود افزایش بودجه این بخش، کاهش چشمگیری یافت. با چشم‌پوشی از چند نهاد دولتی دیگر که در این سال‌ها در تولید چند فیلم مشارکت کردند، بخش خصوصی سینمای ایران مشتمل بر فعالیت‌های چند تهیه‌کننده رشد یافته در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ آخرین ضلع جریان تولید سینمای ایران را شکل می‌دهند که به واسطه سیاست‌های خاص جریان مدیریتی در سه سال اخیر، عملاً به چند دستگی حیرت‌آوری دچار شده و منازعات مختلفی را درون خود شاهد است. در دو سال اخیر، نهاد مدیریتی سینما کمتر از مجوز را به چهره‌های شناخته شده اتحادیه تهیه‌کنندگان برای تولید فیلم داد تا به قول خودشان از حجم تولیدات سطحی و مبتذل بکاهند؛ اما جالب اینجاست که این نوع فیلم‌ها در دو سال گذشته با تهیه‌کنندگی چهره‌هایی متناسب به جریان تهیه‌کنندگان دولتی، پرده‌ها را تسخیر کردند.